

نویسندگان ۵۹۸

جنگ ایران و عراق و سازمان ملل متحد

مرتضی شیرودی

سازمان ملل متحد اسلحا محصول پایان یافتن جنگ دوم جهانی است و فلسفه ایجاد آن پیشگیری از وقوع هرگونه جنگ و نزاع در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشد. با این‌همه در جنگ میان عراق و ایران، دبیرکل مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد با وجود آنکه آشکارا شاهد تجاوز عراق به مرزهای ایران بودند، زبان آنها بنای ملاحظاتی بسته بود! حتی در فجیع‌ترین صحنه‌های جنگ عراق علیه ایران که با استفاده از سلاح‌های شیمیایی هزاران نفر، اعم از افراد نظامی یا مردم بی‌گناه کشتار شدند شورای امنیت در محکوم کردن استفاده از سلاح‌های شیمیایی از بردن نام عراق ابا داشت و بدون ذکر نام متجاوز با جمله‌هایی کوتاه و وظیفه‌اش را به انجام می‌رسانید. سرانجام پس از آنکه وضعیت میدانی جنگ به نفع نیروهای ایران تغییر یافت، این سازمانها و نهادهای بین‌المللی مجبور شدند آن‌طور که باید رفتار کنند، گرچه باز هم هیچوقت همه‌چیز آن‌طور که انتظار می‌رفت، پیش نرفت. در مقاله پیش‌رو عملکرد و مواضع سازمان ملل متحد به‌ویژه دبیرکل آن، در قبال جنگ ایران و عراق از نخستین روزهای جنگ تا به سرانجام رسیدن قطعنامه منصفانه ۵۹۸ و نتایج نهایی این‌گونه تلاش‌های بین‌المللی برای حل و فصل مشکلاتی از قبیل تعیین خسارات جنگ و... مورد شرح و تبیین قرار گرفته است.



سازمان ملل متحد در جنگ عراق علیه ایران، به رغم خود در جهت انجام وظیفه اصلی‌اش، یعنی محفوظ داشتن نسل‌های آینده از خطر و بلاي جنگ، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از تهدیدات علیه صلح، به اتخاذ و اجرای تصمیمات متعدد مبادرت ورزید. با نگاهی به مجموعه فعالیت‌های سازمان ملل در این رابطه، به وضوح آشکار می‌شود شورای امنیت، دبیرکل^۱ و مجمع عمومی تلاش‌های زیادی در طول این جنگ انجام دادند.^۲ گرچه تلاش‌های این سه رکن

سازمان ملل متحد، مستقل از هم اتخاذ می‌شد، اما به علت پیوندهای تشکیلاتی و یکسان بودن شرایط حاکم بر سه رکن، تفاوت چندانی در سیاست‌های آنها دیده نمی‌شود؛ همچنین این فعالیت‌ها با تأثیر از شرایط موجود منطقه‌ای و جهانی، از فرازونشیب‌های فراوانی برخوردار بود.^۳ در نتیجه این تلاش‌ها در نهایت زمینه پذیرش قطعنامه از سوی دولتین عراق و ایران، پس از هشت سال جنگ فراهم آمد. اینک اهم این فعالیت‌ها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف- شورای امنیت سازمان ملل در برابر جنگ تحمیلی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، یک روز پس از حمله سراسری عراق علیه ایران، اولین اقدامش را در قبال جنگ با صدور بیانیه بیست و سوم سپتامبر ۱۹۸۰ (اول مهر ۱۳۵۹) به انجام رسانید و پنج روز بعد از آن، نخستین قطعنامه خود را صادر کرد.^۴ این روند با صدور هشت قطعنامه و بیش از پانزده بیانیه دیگر ادامه یافت. عمده این قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها، صرفاً جنبه توصیه داشتند.^۵ اما قطعنامه ۵۹۸ در این مورد یک استثنا است؛ زیرا این قطعنامه، ضمن اتخاذ تصمیم برای پایان دادن به جنگ دوهزار و هشتصد و هشتاد و هفت روزه عراق علیه ایران، پیشنهاد‌های اجرایی ارائه می‌دهد. جزئیات مواضع شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول جنگ تحمیلی به این شرح است:

۱- در پی درخواست مکتوب بیست و سوم سپتامبر ۱۹۸۰ (اول مهر ۱۳۵۹) دبیرکل، شورای امنیت ضمن مشورت با اعضا، اولین موضع‌گیری خود در مورد جنگ ایران و عراق را تحت عنوان بیانیه اعلام کرد و طی آن، نگرانی عمیق خود را از گسترش احتمالی این برخورد^۶ ابراز داشت. وی از طرفین خواست از هرگونه اقدامی که به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر شود، خودداری نمایند و اختلافات خود را از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. همچنین این شورا از

پیشنهاد و به‌کارگیری مساعی جمیله^۸ که از سوی دبیرکل برای پایان دادن به جنگ مطرح شده بود، حمایت کرد.^۹

شورای امنیت به دنبال تقاضای بیست و پنجم سپتامبر ۱۹۸۰ (سوم مهر ۱۳۵۹) دبیرکل، در بیست و ششم و بیست و هشتم سپتامبر (چهارم و ششم مهر) تشکیل جلسه داد و نخستین قطعنامه خود را به اتفاق آرا، در جلسه شماره دو هزار و دوست و چهل و هشت تحت عنوان قطعنامه ۴۷۹ به تصویب رساند. این قطعنامه دارای پنج ماده بود و موضوع جنگ را تحت عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» مورد بررسی قرار می‌داد. در این قطعنامه ضمن یادآوری تعهد کشورهای عضو به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و عدم توسل به زور و نیز با اشاره به مسئولیت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و با ابراز تأسف عمیق از وضعیت روبه‌گسترش میان ایران و عراق، از طرفین درخواست کرد از به‌کار بردن بیشتر زور خودداری نموده و اختلاف خود را از طرق مسالمت‌آمیز حل نمایند و از هرگونه پیشنهاد مناسبی که می‌تواند به صلح بینجامد، استقبال کنند. همچنین شورا از عموم کشورها تقاضا کرد از هرگونه اقدامی که به تشدید منازعه منجر می‌شود، بپرهیزند؛ در ضمن از کوشش دبیرکل و نیز مجدداً از پیشنهاد او در مورد به‌کارگیری مساعی جمیله برای حل وضعیت موجود میان ایران و عراق پشتیبانی کرد و از وی خواست نتایج اقدامات خود را ظرف مدت چهار و هشت ساعت به شورای امنیت گزارش دهد. در پایان جلسه، رئیس تونسی شورای امنیت،^{۱۰} منازعه بین ایران و عراق را یک تهدید واقعی برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نمود.^{۱۱}

در فاصله پانزدهم تا بیست و نهم اکتبر ۱۹۸۰ (بیست و دوم مهر تا شانزدهم آبان ۱۳۵۹) شورای امنیت پنج جلسه دیگر در مورد جنگ تشکیل داد که هیچ‌یک به صدور قطعنامه یا بیانیه‌ای منجر نگردید. در جلسه پانزدهم اکتبر، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه

عراق، و در جلسه هفدهم اکتبر محمدعلی رجایی، نخست وزیر وقت ایران^{۱۱}، به تفصیل نقطه نظرات دولتهای خویش در مورد ریشه‌های جنگ ایران و عراق را مطرح نمودند^{۱۲}. سرانجام شورای امنیت پس از بررسیهای لازم، در پنجم نوامبر ۱۹۸۰ (چهاردهم آبان ۱۳۵۹) بیانیه‌ای صادر کرد و از تلاشهای دبیرکل و پیشنهاد او مبنی بر تعیین و اعزام نماینده‌ای جهت مذاکره با دو دولت ایران و عراق حمایت کرد^{۱۳} و از دبیرکل درخواست نمود نتیجه اقدامات خود را در این مورد به اطلاع شورای امنیت برساند.

۲- شورای امنیت پس از صدور بیانیه پنجم نوامبر ۱۹۸۰ (چهاردهم آبان ۱۳۵۹) در یک سکوت سنگین فرورفت تا سرانجام پس از بیست و یک ماه و پانزده روز، یعنی در دوازدهم ژوئن ۱۹۸۲ (بیست و یکم تیر ۱۳۶۱)، در جلسه دوهزار و سیصد و هشتاد و سوم خود قطعنامه ۵۱۴ را درباره جنگ صادر کرد.^{۱۴} جلسه شورا به خواست کشور اردن و حمایت امریکا تشکیل گردید^{۱۵} و به اتفاق آرا قطعنامه مزبور را به تصویب رساند. در این قطعنامه، ضمن ابراز نگرانی از ادامه وضعیت میان ایران و عراق،^{۱۶} خسارات مادی و معنوی و تهدیدهای منوجه صلح نیز ذکر گردید. از نکات جدیدی که در این قطعنامه آمده بود، می‌توان به یادآوری قطعنامه ۴۷۹ و بیانیه پنجم نوامبر ۱۹۸۰ (چهاردهم آبان ۱۳۵۹) شورا، و توجه به کوششهای میانجیگری دبیرکل، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی اشاره کرد. همچنین قطعنامه مذکور، خواستار آتش‌بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی، عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، هماهنگی میان کوششهای میانجی گرانه تحت نظارت دبیرکل برای حصول به یک راه‌حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه متکی به اصول منشور ملل متحد و اصول روابط بین‌المللی^{۱۷} قابل قبول برای طرفین و پرهیز کلیه کشورها از اقدامات تشدیدکننده منازعه گردید و تصمیم خود مبنی بر اعزام گروهی از ناظران سازمان ملل متحد، برای تایید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها را اعلام کرد.

در پانزدهم ژوئیه ۱۹۸۲ (بیست و چهارم تیر ۱۳۶۱) رئیس شورای امنیت به نمایندگی از اعضا، بیانیه‌ای را منتشر ساخت و در آن نگرانی شورای امنیت از عدم اجرای قطعنامه ۵۱۴ را مطرح کرد و در ضمن، خواستار حل مسالمت‌آمیز منازعه ایران و عراق شد. این بیانیه نیز مورد قبول ایران قرار نگرفت. متعاقب آن و بر اساس تقاضای مورخ اول اکتبر ۱۹۸۲ (نهم مهر ۱۳۶۱) نماینده عراق در سازمان ملل متحد، شورای امنیت تشکیل جلسه داد^{۱۸} و قطعنامه ۵۲۲ را در جلسه دوهزار و سیصد و نود و نهم، که در چهارم اکتبر ۱۹۸۲ (دوازدهم مهر ۱۳۶۱) برگزار شد، به اتفاق آرا به تصویب رساند. در این قطعنامه، همانند قطعنامه‌ها و بیانیه‌های قبلی، ابتدا نسبت به ادامه مناقشه و خسارات سنگین انسانی و تهدیدهای متوجه صلح و امنیت بین‌المللی ابراز تأسف گردید و سپس به تایید و تاکید بر قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته و گزارش پانزدهم جولای ۱۹۸۲

(بیست و چهارم تیر ۱۳۶۱)^{۱۹} پرداخت، انگاه خواستار آتش‌بس فوری، خاتمه عملیات جنگی و بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی گردید. شورای امنیت در این زمان به صورت تلویحی از اقدام عراق در پذیرش قطعنامه استقبال و از طرف دیگر - ایران - خواست که به اقدام مشابه دست زند.^{۲۰} همچنین شورا بر اجرای بدون تاخیر تصمیم خویش مبنی بر اعزام گروه ناظران سازمان ملل متحد و لزوم ادامه کوششهای میانجیگرانه تاکید ورزید. شورا مجدداً از کشورها خواست از اقداماتی که باعث طولانی شدن جنگ می‌شود، پرهیز نمایند و زمینه تسهیل اجرای قطعنامه را فراهم آورند؛ و نیز از دبیرکل تقاضا نمود ظرف مدت هفتاد و دو ساعت، گزارش خود را درخصوص اجرای این قطعنامه تسلیم شورا کند.

۳- رئیس شورای امنیت در سال ۱۹۸۳/م. ۱۳۶۲، ش طی صدور یک بیانیه جدید، درخواست آتش‌بس فوری، عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و حل و فصل صلح‌آمیز جنگ را از طرفین به عمل آورد. این بیانیه مطلب جدیدی نسبت به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های قبلی شورای امنیت نداشت. شورای امنیت، متأثر از عملیتهای موفقیت‌آمیز نیروهای مسلح ایران،^{۲۱} برای صدور قطعنامه جدید^{۲۲} در تاریخ سی و دوم اکتبر ۱۹۸۳ (نهم آبان ۱۳۶۲) جلسه شماره دوهزار و چهارصد و نود و سوم را تشکیل داد و قطعنامه ۵۴۰ را با دوازده رای موافق و سه رای ممتنع (پاکستان، نیکاراگوئه و مالت) به تصویب رساند.^{۲۳} در این قطعنامه مطابق شیوه قبلی شورای امنیت، بر قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته شورا تاکید شد. قطعنامه ۵۴۰، حاوی نکات جدیدی چون محکوم ساختن نقض حقوق انسانی و بشردوستانه مغایر با کنوانسیونهای ۱۹۴۹ / ۱۳۲۸ ژنو،^{۲۴} درخواست از ایران و عراق به رعایت حق آزادی کشتیرانی و بازرگانی در آبهای بین‌المللی و پرهیز از حمله به تاسیسات و بنادر دور از ساحل، خودداری از هرگونه اقدامی که صلح و امنیت دریایی منطقه را به خطر می‌اندازد، بود. در پی تایید هیات اعزامی سازمان ملل به منطقه درگیری میان ایران و عراق مبنی بر کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، دبیرکل گزارش هیات را به شورای امنیت تحویل داد و شورا ضمن صدور بیانیه‌ای در سی‌ام مارس ۱۹۸۴ (دهم فروردین ۱۳۶۳) بدون ذکر نام کشور عراق، کاربرد سلاح شیمیایی را برای اولین بار^{۲۵} در جنگ ایران و عراق قویاً محکوم کرد. شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ بیست و یکم مه ۱۹۸۴ (سی و یکم اردیبهشت ۱۳۶۳) نسبت به تجاوز و نقض حقوق و آزادی کشتیرانی از سوی ایران در حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد. براین اساس، شورای امنیت ضمن تشکیل جلسات متعدد، نهایتاً در جلسه شماره دوهزار و پانصد و چهل و شش مورخ اول ژوئیه ۱۹۸۴ (یازدهم خرداد ۱۳۶۳) با سیزده رای موافق و دو رای ممتنع، قطعنامه ۵۵۲ را تصویب کرد. در این قطعنامه با یادآوری تعهد کشورهای عضو در رعایت حسن

همجواری، احترام به اهداف و اصول منشور ملل متحد، عدم توسل به زور علیه تمامیت ارضی و اهمیتی که خلیج فارس در صلح و امنیت بین‌المللی و ثبات اقتصاد جهانی ایفا می‌کند، از کشورهای درگیر خواست بر اساس حقوق بین‌الملل، حق کشتیرانی آزاد و تمامیت ارضی کشورهای را که طرف مخاصمه و درگیری نیستند، محترم بشمارند.^{۲۶} و همچنین خواهان توقف فوری هرگونه حمله به کشتی‌ها شد و این‌گونه حملات را محکوم کرد. در بند ششم قطعنامه چنین آمده بود: چنانچه مفاد این قطعنامه رعایت نگردد، شورا به بررسی اقدامات موثری که اجرای آزاد کشتیرانی را تضمین نماید، خواهد پرداخت. پس از صدور این قطعنامه، تا پایان سال - به استثنای بیانیه نوزدهم ژوئن (بیست و ششم خرداد) - اقدام دیگری از سوی شورا انجام نگرفت. در این بیانیه، شورای امنیت تصمیم دبیرکل مبنی بر اعزام دو هیات به ایران و عراق به منظور بررسی اتهام حمله به مناطق مسکونی را تایید و تنفیذ کرد.^{۲۷}

۴- شورای امنیت در سال ۱۹۸۵/م. ۱۳۶۴، ش قطعنامه‌ای را صادر نکرد و فقط به صدور سه بیانیه اکتفا نمود. در اولین بیانیه که در پنجم مارس (چهاردهم اسفند) منتشر شد، شورا از طرفین خواست از حمله به مناطق مسکونی دست بردارند و به توافقی که با دبیرکل در این زمینه انجام داده‌اند، احترام بگذارند. بار دیگر شورای امنیت در پانزدهم مارس (بیست و چهارم اسفند) در دومین بیانیه خویش، خواستار اجرای توافق عدم حمله به مناطق مسکونی و نیز کوشش برای یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز در منازعه گردید. شورای امنیت سومین بیانیه خود را در بیست و پنجم آوریل (پنجم اردیبهشت) صادر کرد. در این تاریخ، نظر شورا بار دیگر متوجه به کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق شد. براین اساس، شورا با صدور بیانیه مزبور، کاربرد سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را بدون ذکر نام کشور عراق، قویاً محکوم کرد. مهم‌ترین علت صدور این بیانیه، با توجه به لحن محکمی که داشت، برای فشار غیرمستقیم به عراق به منظور پذیرش طرح هشت ماده‌ای دبیرکل قلمداد شده است.^{۲۸}

۵- عملیات والفجر ۸ که در تاریخ بیستم بهمن ۱۳۶۴ از سوی ایران انجام شد، منجر به ورود نیروهای ایرانی به فاو و قسمتهایی از این منطقه گردید، و نیز ارتباط دریایی عراق را قطع نمود و قوای ایرانی به مرزهای کویت و شهر بصره عراق بسیار نزدیک شدند. متعاقب آن، عراق و اتحادیه عرب^{۲۹} از شورای امنیت درخواست کردند^{۳۰} برای رسیدگی به موضوع جنگ تشکیل جلسه دهد. شورای امنیت در بیست و چهارم فوریه ۱۹۸۶ (پنجم اسفند ۱۳۶۴) طی جلسه شماره دوهزار و شصت و شصت و شش، قطعنامه ۵۲۸ را به اتفاق آرا به تصویب رساند. از نکات جدیدی که در این قطعنامه به چشم می‌خورد، به موضوعاتی چون خاطرنشان کردن تلاش شش‌ساله شورا در مورد وضعیت ایران و عراق، یادآوری امضای پروتکل منع استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و سلاحهای میکروبی در جنگ،^{۳۱} و نیز به تاکید بر اصل

غیرقابل تصرف بودن اراضی از راه زور می‌توان اشاره کرد. همچنین شورای امنیت از اقدامات اولیه‌ای^{۳۳} که سبب منازعه گردید و نیز از شدت یافتن منازعه و بمباران مراکز مسکونی، کشتی‌ها و هواپیماهای غیرنظامی ابراز ناسف کرد و از طرفین خواست با قطع بی‌درنگ کلیه محاصرات، آتش‌بس فوری را به مرحله اجرا گذارند و سپس با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به میزبانی اسرا بپردازند.

شورای امنیت، در تاریخ بیست‌ویکم مارس ۱۹۸۶ (اول فروردین ۱۳۶۵)، بر اساس گزارش متخصصان علوم پزشکی اعزامی از سوی سازمان ملل متحد، بیانیه‌ای صادر کرد که در آن برای اولین بار با ذکر نام کشور عراق، کاربرد سلاح شیمیایی توسط آن کشور علیه نیروهای ایرانی محکوم شد. همچنین در این بیانیه ادامه درگیری طرفین محکوم گردید. شورای امنیت در مورخ بیست‌ونهم اوت ۱۹۸۶ (هفتم شهریور ۱۳۶۵) ضمن صدور بیانیه‌ای دیگر، از افزایش احتمالی دامنه درگیری و گسترش حمله به کشتی‌های تجاری و مناطق غیرنظامی ابراز نگرانی کرد و از تلاشهای مداوم دبیرکل، به‌ویژه در زمینه عدم به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی و نیز از تذکر به دو کشور ایران و عراق مبنی بر خودداری از حمله به مناطق مسکونی حمایت کرد.^{۳۴}

شورای امنیت به درخواست اتحادیه عرب - که از تهدید ایران مبنی بر دست‌زدن به عملیات سرنوشت‌ساز بیماناک بودند - از آغاز اکتبر ۱۹۸۶ (هشتم مهر ۱۳۶۵) بحث خود را در مورد درگیری عراق و ایران شروع کرد. در جلسه سوم اکتبر (یازدهم مهر)، دبیرکل طی سخنانی نگرانی عمیق جامعه جهانی را از روند ادامه و توسعه منازعه ابراز داشت.^{۳۵} سرانجام شورای امنیت در جلسه شماره دو هزار و هفتصد و سیزده به اتفاق آرا قطعنامه ۵۸۸ را در تاریخ هشتم اکتبر ۱۹۸۶ (شانزدهم مهر ۱۳۶۵) صادر نمود. شورای امنیت در دو قطعنامه ۵۵۲ و ۵۸۲ به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته خویش اشاره‌ای نمی‌کند و این روند در قطعنامه ۵۸۸ نیز ادامه می‌یابد. با این تفاوت که در قطعنامه جدید از دو کشور ایران و عراق خواسته شد بدون درنگ قطعنامه ۵۸۲ را به مرحله اجرا گذارند؛ و نیز از دبیرکل درخواست کرد با مشورت طرفین منازعه، بر شدت فعالیت‌هایش در اجرای قطعنامه ۵۸۲ بیفزاید. این قطعنامه به‌استثنای نکات مزبور، حاوی مطلب جدید دیگری نبود.^{۳۶}

شورای امنیت پس از دریافت گزارش جدید دبیرکل در مورد تازه‌ترین مواضع دولتین ایران و عراق نسبت به قطعنامه ۵۸۲ و ۵۸۸ و طرح هشت ماده‌ای^{۳۷} دبیرکل، تشکیل جلسه داد و این جلسه که در بیست‌ودوم دسامبر ۱۹۸۶ (سی‌ویکم شهریور ۱۳۶۵) منعقد شد، منجر به صدور بیانیه‌ای گردید که در آن به تکرار موضوعاتی چون ابراز نگرانی عمیق از وضعیت وخیم موجود بین ایران و عراق، اظهار ناسف از نقض قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی، درخواست از طرفین به منظور اجرای قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸، تصمیم‌گیری

به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف موجود، ادامه کوشش دبیرکل در حل منازعه و مانند آن می‌پردازد. ایران در پاسخ به این بیانیه، همانند آنچه در مورد قطعنامه ۵۸۸ اعلام کرده بود، مجدداً اعلام کرد بخشی از قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸^{۳۸} را که ناظر بر خاتمه مخاصمات بدون تعیین متجاوز هستند - نمی‌پذیرد.^{۳۹}

۶- در پی اعلام دبیرکل مبنی بر اینکه حاضر است نظراتش را در اختیار شورای امنیت بگذارد تا آن شورا بتواند به مبنایی که مورد قبول طرفین برای مذاکره باشد، دست یابد، شورا ضمن پاسخ مثبت به این درخواست از فوریه ۱۹۸۷ (پنجم ۱۳۶۶) یک گروه کاری و سازمان‌یافته مرکب از اعضای دائمی شورا را برای پایان بخشیدن به منازعه ایران و عراق تشکیل داد. متعاقب آن در شانزدهم ژانویه، بیانیه‌ای از سوی شورا منتشر شد که حاکی از نگرانی شورا در خصوص توسعه

خصوصیت موجود بود و نیز از طرفین درخواست کرد قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ را به مرحله اجرا گذارند؛ در ضمن از تلاشهای دبیرکل در فراهم آوردن رضایت طرفین به اجرای قطعنامه‌های مزبور، قدردانی گردید. در چهاردهم مه ۱۹۸۷ (بیست‌وچهارم فروردین ۱۳۶۶) شورای امنیت در پی تأیید مجدد کاربرد سلاح شیمیایی عراق علیه ایران توسط گروه اعزامی دبیرکل، بار دیگر طولانی‌شدن درگیری و استفاده مکرر از سلاح شیمیایی را محکوم کرد. سرانجام بر اثر تلاش گروه مزبور پیش‌نویس یک قطعنامه جدید که حاوی نکات جدیدی بود، در تاریخ بیست‌ویکم ژوئن ۱۹۸۷ (سی‌ویکم خرداد ۱۳۶۶) تهیه شد.

شورای امنیت پس از مشورت‌های فراوان در مورد پیش‌نویس مذکور، سرانجام در جلسه شماره ۲۷۵۰ مورخ بیستم ژوئیه ۱۹۸۷ (بیست‌ونهم تیر ۱۳۶۶) با تأکید بر مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،^{۴۰} مفصل‌ترین، اجرایی‌ترین و آمرانه‌ترین قطعنامه^{۴۱} را



تحت عنوان قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رساند.^{۴۲} در مقدمه این قطعنامه بر لزوم اجرای قطعنامه ۵۸۲ تأکید شد و از عدم توجه به درخواستهای گذشته‌اش از سوی ایران و عراق و آغاز، ادامه، گسترش و تشدید منازعه و بمباران مراکز مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیها و هواپیماها، نقض قوانین بین‌المللی و نیز کاربرد سلاحهای شیمیایی ابراز تأسف کرد؛ همچنین ضرورت اتمام اقدامات نظامی بین طرفین و ایجاد یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه و پایدار گوشزد گردید و مفاد منشور ملل متحد، در مورد حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی را یادآوری نمود. در بخش اجرایی قطعنامه،^{۴۳} شورای امنیت خواستار عقب‌نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و رعایت آتش‌بس همه‌جانبه به عنوان نخستین گام در جهت حل و فصل مناقشه گردید و نیز از طرفین خواست بدون تاخیر، پس از برقراری آتش‌بس نسبت به آزادسازی اسرا اقدام نمایند و با دبیرکل در تلاش به منظور اجرای قطعنامه و دستیابی به یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه و مورد قبول طرفین، همکاری کنند. این قطعنامه از دبیرکل تقاضا کرد پس از مشورت با طرفین، زمینه‌های حل و فصل مناقشه را فراهم آورد. قطعنامه مزبور سه تیم کارشناسی را برای امور زیر پیش‌بینی کرد:

- نظارت، بررسی و تأیید آتش‌بس و عقب‌نشینی
- تعیین شروع کننده جنگ
- مطالعه موضوع بازسازی

موضع ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸، نه رد و نه تأیید آن بود و این موضعگیری تا پذیرش قطعنامه از سوی ایران ادامه یافت. علت چنین موضعگیری، آن بود که این قطعنامه برخی از نظرات ایران را تأمین کرده بود. (مانند تعیین متجاوز) اما در عین حال به عمده‌ترین خواست ایران، یعنی شناسایی متجاوز قبل از آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها، توجهی نشد. ولی عراق^{۴۴} در بیست و دوم ژوئیه ۱۹۸۷ (سی و یکم تیر ۱۳۶۶)، یعنی دو روز بعد از تصویب قطعنامه - پس از تشکیل جلسه شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. در بیست و سوم ژوئیه (اول مرداد) وزیر امور خارجه عراق موضع جدید دولتش را به دبیرکل اطلاع داد و در چهاردهم اوت (بیست و سوم مرداد) همان سال عراق رسماً قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.^{۴۵} رئیس شورا طی بیانیه‌ای که در یازدهم دسامبر (بیستم بهمن ۱۳۶۶) صادر کرد، قطعنامه ۵۹۸ را تنها راه حل وصول به حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار منازعه ایران و عراق عنوان کرد و بدین وسیله راه را بر تغییر و جایجایی مواد قطعنامه ۵۹۸ بست^{۴۶} و در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۸۷ (سوم اسفند ۱۳۶۶) بر تعهد و پایبندی اعضای شورا به اجرای قطعنامه ۵۹۸ تأکید کرد.

۷- شورای امنیت در سال ۱۹۸۸/م. ۱۳۶۷/ش. همچنان به اقداماتش برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق ادامه داد. براین اساس شورای امنیت در شانزدهم مارس ۱۹۸۸ (بیست و پنجم اسفند ۱۳۶۷) در

بحث راجع به منازعه عراق و ایران، از تلاشهای دبیرکل به منظور حل و فصل قطعنامه ۵۹۸ پشتیبانی نمود و در هشتم آوریل (نوزدهم فروردین) همان سال، مواضع ایران و عراق در خصوص قطعنامه را مورد بررسی قرار داد. تأیید هیات اعزامی دبیرکل، مبنی بر کاربرد سلاح شیمیایی در منازعه ایران و عراق و ارسال گزارش آن به شورا توسط دبیرکل در تاریخ بیست و پنجم آوریل ۱۹۸۸ (یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۷) منجر به صدور قطعنامه ۶۱۲ در جلسه شماره دوهزار و هشتصد و دوازده (مورخ نهم مه ۱۹۸۸/نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۷) به اتفاق آرا گردید. در این قطعنامه، استفاده از سلاحهای شیمیایی در منازعه ایران و عراق مغایر با پروتکل ۱۹۴۹/۱۳۲۸ دانسته شده و به شدت محکوم گردید. همچنین قطعنامه خواهان رعایت این پروتکل شده و بر ضرورت رعایت آن تأکید ورزید و از کشورهای دیگر درخواست کرد اعمال کنترل بر صدور تولیدات شیمیایی قابل استفاده در ساخت سلاحهای شیمیایی را افزایش دهند. شورای امنیت، سه روز قبل از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، برای بررسی شکایت^{۴۷} ایران از امریکا در مورد ساقط ساختن هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، تشکیل جلسه داد و پس از بحث و بررسی و استماع سخنان نمایندگان ایران و امریکا، سه روز پس از قبول و پذیرش قطعنامه از سوی ایران، با صدور قطعنامه ۶۱۶ تنها به اظهار اندوه و اعلام تسلیت به بازماندگان حادثه اکتفا کرد؛ حالب اینکه باز هم در آخرین بند قطعنامه بر لزوم اجرای کامل و فوری قطعنامه ۵۹۸ به عنوان تنها اساس و پایه برای رسیدن به صلحی پایدار و عادلانه تأکید گردید.

ب- دبیرکل و جنگ تحمیلی

دبیرکل در اولین ساعات شروع جنگ، فعالیتش را به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ آغاز کرد. در واقع دبیرکل، نخستین مرجع بین‌المللی بود که نسبت به حمله عراق علیه ایران، با عنوان «برخورد» و اکنش نشان داد. با تعویض دبیرکل و انتخاب خاویر پرز دکوئیار^{۴۸} در سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱ به عنوان دبیرکل جدید، فعالیتهای دبیرکل در رابطه با مسایل جنگ، روندی روبه افزایش گرفت. به‌طور کلی عمده‌ترین فعالیتهای دبیرکل را می‌توان تلاش در جلب نظر شورای امنیت به مساله جنگ عراق با ایران، مشورت و دیدارهای مختلف با مقامات ایرانی و عراقی و اعضای شورای امنیت، اعزام هیاتهای متعدد به ایران و عراق و ارسال گزارشات آن به شورای امنیت، ابتکار دوازدهم ژوئن ۱۹۸۴ (بیستم خرداد ۱۳۶۳) در خصوص خودداری طرفین از حمله به مناطق مسکونی، ابتکار طرح هشت ماده‌ای در ماه مارس ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) و ارائه طرح اجرایی برای قطعنامه ۵۹۸ را نام برد. مجموعه اقدامات دبیرکل، شامل زمینه‌هایی چون وادار کردن ایران و عراق به پرهیز از حمله به مناطق مسکونی، به کارگیری سلاحهای شیمیایی و بدر رفتاری با اسرای جنگی (یا رعایت مقررات بین‌المللی) و نیز کاهش آلام و مصایب جنگ و نهایتاً پایان دادن به جنگ بود.^{۴۹}

۱- دبیرکل در بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (سی و یکم شهریور ۱۳۵۹) با صدور اعلامیه‌ای به دولتین ایران و عراق پیشنهاد کرد به او اجازه دهند مساعی‌اش را در حل مسالمت‌آمیز برخورد میان دو کشور به کار گیرند. اما از ناحیه هیچ کدام از دو کشور پاسخی دریافت نکرد. در ظهر همان روز، سخنگوی سازمان ملل متحد در مصاحبه مطبوعاتی، اعلامیه دبیرکل را به اطلاع عموم رساند. روز بعد، دبیرکل بر اساس ماده نود و نه منشور ملل متحد^{۵۰} از شورای امنیت خواست با توجه به احتمال افزایش خصام بین دو کشور، برای مذاکره پیرامون جنگ تشکیل جلسه دهد. این جلسه در همان روز تشکیل شد و به صدور اولین بیانه شورای امنیت منجر گردید.

در بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۸۰ (دوم مهر ۱۳۵۹) دبیرکل دو نامه جداگانه - ولی با مضمون مشترک - برای رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق فرستاد و خواستار خاتمه عملیات مسلحانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات شد. مقامات عراق در پاسخ به این نامه، از پذیرش خاتمه عملیات نظامی خودداری کردند و اقداماتشان را در مقام دفاع از خود ذکر نمودند. دبیرکل در تاریخ بیست و پنجم سپتامبر ۱۹۸۰ (سوم مهر ۱۳۵۹) به شورای امنیت اطلاع داد که به‌رغم کوششهایی که به عمل آورده، منازعه ایران و عراق در زمین، هوا و دریا ادامه دارد و موجب خسارات مالی و جانی شده است. وی بر این اساس، از شورای امنیت خواست مساله را به فوریت رسیدگی نماید. روز بعد، شورای امنیت تشکیل جلسه داد. دبیرکل در آغاز جلسه شورای امنیت،^{۵۱} خلاصه اقداماتی را که درباره منازعه ایران و عراق انجام داده بود، به اطلاع شورای امنیت رساند و از شورا درخواست کرد وظیفه خود را در مورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به انجام رساند. سپس شورا تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۴۷۹ را صادر کرد. در خاتمه جلسه، دبیرکل طی سخنانی از ایران و عراق تقاضا کرده قطعنامه ۴۷۹ پاسخ مثبت دهند. در پی این تقاضا صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، در بیست و نهم سپتامبر ۱۹۸۰ (هفتم مهر ۱۳۵۹) نظر مساعد عراق نسبت به قطعنامه را به دبیرکل اطلاع داد.^{۵۲} دبیرکل در ماه اکتبر ۱۹۸۰ (مهرماه ۱۳۵۹) به شورای امنیت اطلاع داد که تلاشهایش برای حل مساله کشتی‌هایی که در اروندرود به علت آغاز جنگ محبوس شده‌اند، عقیم مانده است. ایران مشروط به اینکه کشتی‌ها با پرچم سازمان ملل متحد آبهای اروندرود را ترک کنند، با خارج شدن کشتی‌ها از اروندرود موافقت کرده بود اما عراق به خروج کشتی‌ها صرفاً مشروط به اینکه پرچم عراق را نصب نمایند، رضایت می‌داد. چندی بعد، شورای امنیت، اولاف پالمه، نخست‌وزیر سابق کشور سوئد را به عنوان نماینده خود برای مذاکره با دولتین ایران و عراق درباره مسائل جنگ انتخاب کرد. اولاف پالمه از سال ۱۹۸۰/۱۳۵۹ تا سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱، پنج بار به تهران و بغداد مسافرت نمود و با مقامات ایرانی و عراقی به مذاکره پرداخت. نتیجه تلاش دو ساله وی^{۵۳} منجر به آزادسازی تعدادی

از اسرای طرفین - حدود صدوپنجاه اسیر، در سه مرحله، که عمدتاً مجروحین بودند - و خارج شدن شصت و سه کشتی تجاری خارجی که در اروندرود گرفتار شده بودند، شد.^{۵۴}

۲. قطعنامه ۵۱۴، دبیرکل را مأمور تهیه گزارش طی مدت سه ماه بعد از صدور قطعنامه در مورد پیشرفت اجرایی قطعنامه کرده بود. دبیرکل در پانزدهم ژوئیه ۱۹۸۲ (بیست و چهارم تیر ۱۳۶۱) - یعنی قبل از آنکه مدت تعیین شده شورا به اتمام برسد - گزارش خود را مبنی بر پذیرش قطعنامه ۵۱۴ از سوی عراق و رد آن توسط ایران، تسلیم شورای امنیت کرد. ایران در بیست و هشتم اکتبر ۱۹۸۲ (ششم آبان ۱۳۶۲) از دبیرکل خواست هیاتی برای بررسی تخریب مناطق مسکونی ایران که به وسیله بمباران نیروهای عراقی انجام شده بود، اعزام نماید. این درخواست در دوم مه ۱۹۸۳ (یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۲) تکرار شد. در این ایام، عراق نیز تقاضای مشابهی را مطرح کرد و متعاقب آن دبیرکل تصمیم گرفت هیاتی را به دو کشور ایران و عراق اعزام کند. هیات اعزامی از بیستم مه (بیست و نهم اردیبهشت) تا اول ژوئن (نهم خرداد) از دو کشور بازدید به عمل آورد و گزارش خود را که نشان دهنده خسارات سنگین به مناطق مسکونی ایران و خسارات سبک به عراق بود، تهیه کرد و در بیستم ژوئن (بیست و هشتم خرداد) به توسط دبیرکل آن را تسلیم شورای امنیت نمود. با افزایش شمار اسرای عراقی،^{۵۵} این کشور^{۵۶} در دهم ژوئن (هیجدهم خرداد) از دبیرکل خواست کمیسیونی برای بررسی وضعیت اسرای جنگی تشکیل دهد. دبیرکل برای تشکیل چنین کمیسیونی، با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مشورت کرد، اما تلاش در این زمینه تا یکسال بعد بی نتیجه باقی ماند. دبیرکل به تلاش‌هایش درباره حل و فصل مسایل جنگ ادامه داد. در این راستا وی در بیست و نهم و سیام سپتامبر ۱۹۸۳ (هفتم و هشتم مهر ۱۳۶۱) با وزرای امور خارجه ایران و عراق در نیویورک ملاقات کرد اما نتیجه مثبتی به دست نیامد. وی پس از آن، در یازدهم دسامبر همان سال، موضع مخالف و موافق ایران و عراق را در خصوص قطعنامه ۵۴۰ به اطلاع شورای امنیت رساند.

۳. دبیرکل در دهم فوریه ۱۹۸۴ (بیستم بهمن ۱۳۶۲) پیامهای جداگانه‌ای را برای ایران و عراق فرستاد و در آن نگرانی خود را از ادامه مخاصمه ایران و عراق و خسارات ناشی از آن و نیز تصمیمش را مبنی بر اعزام هیاتی برای بازدید از مناطق مسکونی تخریب شده دو کشور در اثر جنگ، اعلام داشت. این اقدام در پاسخ به درخواست بیست و دوم نوامبر ۱۹۸۳ (اول آذر ۱۳۶۲) ایران صورت گرفت و در هشتم مارس ۱۹۸۴ (ششم اسفند ۱۳۶۲) دبیرکل مجدداً به درخواست ایران، هیاتی را برای بررسی اتهام کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق علیه ایران اعزام داشت. این گروه پس از کسب نظر موافق عراق، عازم آن کشور نیز شدند و پس از تحقیق و بازرسی، نظر ایران در مورد کاربرد سلاح شیمیایی قوای عراقی علیه ایران

را تایید کردند. اما دبیرکل در گزارش‌هایش در بیست و هشتم مارس (پانزدهم اردیبهشت) به شورای امنیت، فقط به ایراز تاسف از کاربرد سلاح شیمیایی بدون ذکر نام کشور عراق بسنده کرد.^{۵۷}

دبیرکل در نهم ژوئن ۱۹۸۴ (بیست و یکم خرداد ۱۳۶۲) از رؤسای جمهوری ایران و عراق تقاضا کرد به حملات علیه مناطق مسکونی یکدیگر خاتمه دهند. ایران درخواست دبیرکل را پذیرفت و عراق نیز با تاکید بر اینکه ایران دیگر نباید نیروهای نظامی‌اش را در مراکز مسکونی متمرکز کند، به تقاضای دبیرکل جواب مثبت داد. متعاقب آن، دبیرکل تصمیمش را برای اعزام دو هیات به ایران و عراق به منظور نظارت بر عدم حمله به مناطق مسکونی، به اطلاع شورای امنیت رساند. دبیرکل پس از تایید شورا، دو هیات را در تاریخهای بیست و یکم و بیست و هشتم ژوئن (دوم و هفتم تیر) در عراق و ایران مستقر کرد. سه روز بعد، دبیرکل با ارسال دو نامه، از ایران و عراق خواست تا از تمرکز نیروهای نظامی در مناطق مسکونی خودداری نمایند و تعهد خود را بر عدم کاربرد سلاح شیمیایی ایراز دارند.

۴. در فاصله یازدهم تا هفدهم ژانویه ۱۹۸۵ (بیستم تا بیست و هشتم دی ۱۳۶۴)، هیات سازمان ملل متحد از اردوگاههای اسرای جنگی در عراق و از هیجدهم تا بیست و پنجم ژانویه (بیست و هفتم دی تا چهارم بهمن) همان سال، از اردوگاههای اسرای جنگی در ایران بازدید به عمل آوردند و طی گزارشی در بیست و دوم فوریه ۱۹۸۵ (سوم اسفند ۱۳۶۴) به دبیرکل اعلام کردند که در هیچ یک از دو کشور ایران و عراق، اسرای جنگی آنچنان که ادعا شده است، مورد بدرفتاری قرار ندارند.^{۵۸}

در پی ادامه حملات به مناطق غیرمسکونی، بار دیگر دبیرکل در نهم مارس (پانزدهم اسفند) با ارسال پیامی به رؤسای جمهوری ایران و عراق، از آنان خواست به توافق دوازدهم ژوئن ۱۹۸۴ (بیستم خرداد ۱۳۶۲) مبنی بر عدم حمله به مناطق مسکونی عمل نمایند. همچنین وی در پنجم و پانزدهم مارس (یازدهم و بیست و یکم اسفند) خواستار قطع این حملات و تعهد مجدد^{۵۹} دو دولت مبنی بر عدم حمله به هدفهای غیرنظامی گردید.

دبیرکل از هیجدهم تا بیست و هشتم مارس (بیست و هفتم دی تا پنجم بهمن) در نیویورک ضمن دیدار با معاون وزارت امور خارجه ایران و وزیر امور خارجه عراق، طرح هشت ماده‌ای خود را به آنان عرضه داشت. این طرح که گام نخستین^{۶۰} برای حصول طرحی جامع و مورد قبول طرفین به‌شمار می‌رفت، تحقق موارد زیر را پیشنهاد می‌کرد:

- قطع کلیه حملات علیه مراکز غیر نظامی و پایان بخشیدن به هوانوردی نظامی از ساعت ۲۳/۵۹ روز بیست و هشتم مارس (پنجم بهمن) به وقت گرینویچ.

- رعایت ضوابط پروتکل ۱۹۲۵ ژنو^{۶۱} در مورد عدم به‌کارگیری سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی از هشتم آوریل ۱۹۸۵ (هفدهم فروردین ۱۳۶۴)

- خاتمه دادن به حملات علیه کشتیهای غیر مسلح

شورای امنیت پس از مشورت‌های فراوان سرانجام در جلسه شماره ۲۷۵۰ مورخ بیستم ژوئیه ۱۹۸۷ با تاکید بر مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، مفصل ترین، اجرایی ترین و آمرانه ترین قطعنامه را تحت عنوان قطعنامه مزبور سه تیم کارشناسی جهت امور زیر پیش بینی کرد: نظارت، بررسی و تایید آتش بس و عقب نشینی/تعیین شروع کننده جنگ/مطالعه موضوع بازسازی

موضع ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸، نه رد و نه تایید آن بود و این موضعگیری تا پذیرش قطعنامه از سوی ایران ادامه یافت. علت چنین موضعگیری، آن بود که این قطعنامه برخی از نظرات ایران را تامین کرده بود. (مانند تعیین متجاوز) اما در عین حال در آن به عمده ترین خواست ایران، یعنی شناسایی متجاوز قبل از آتش بس و عقب نشینی نیروها، توجهی نشده بود

تجاری با هر پرچم و هر مالکیت که بین تنگه هرمز و بندر کلبه کشورهای ساحلی در رفت و آمد هستند، و عدم حمله به بندر و ترمینالها از ساعت ۲۳/۵۹ روز سیام آوریل ۱۹۸۵ (هشتم اردیبهشت ۱۳۶۴)

- همکاری طرفین با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای انجام ترتیبات مبادله اسرای جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو^{۶۲} ۱۳۲۸/۱۹۴۹ و حفظ تماس دائم طرفین با دبیرکل، برای تحقق موارد فوق دبیرکل از دولت ایران و عراق تقاضا کرد نمایندگانی را از شانزدهم آوریل ۱۹۸۵ (چهارم اردیبهشت ۱۳۶۳) برای بحث و برقراری ارتباط مستمر، به نیویورک اعزام دارد. ایران این طرح را پذیرفت ولی عراق از پذیرفتن آن خودداری کرد.^{۶۳} به رغم مخالفت عراق، دبیرکل به کوششهایش ادامه داد. وی در هفتم و هشتم آوریل (شانزدهم و هفدهم فروردین) به تهران و بغداد سفر کرد تا زمینه‌های پذیرش و اجرای طرح هشت‌ماده‌ای خود را بیشتر فراهم نماید. دبیرکل پس از بازگشت به

در این سال بار دیگر توجه دبیرکل به کاربرد سلاحهای شیمیایی معطوف گردید. وی در پی گزارش گروهی از کارشناسان اعزامی سازمان ملل متحد به جبهه‌های جنگ ایران و عراق که مؤید کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق علیه ایران بود، عراق را به خاطر استفاده از این سلاحها محکوم کرد^{۶۴} و شورای امنیت که برای بررسی گزارش جدید گروه اعزامی کارشناسان، تشکیل جلسه داده بود، کاربرد سلاح شیمیایی عراق علیه ایران را محکوم نمود.^{۶۵}

در سوم ژوئیه (یازدهم تیر) دبیرکل برای چندمین بار از طرفین خواست از حمله به مناطق مسکونی خودداری کنند برای تحقق چنین هدفی، وی پیشنهاد کرد هیاتهای بازرسی و نظارت بر عدم حمله به مناطق مسکونی مجدداً فعال شوند در پی این درخواست، دو کشور ایران و عراق در چهاردهم اوت (بیست‌ودوم مرداد) به دبیرکل اعلام کردند از حمله به مناطق مسکونی یکدیگر خودداری خواهند کرد و



دبیرکل از این موضع جدید ابراز رضایت نمود وی در سوم اکتبر (دهم مهر) ضمن شرکت در جلسه شورای امنیت، طی سخنانی به نکات ذیل اشاره کرد:

- هشدار و ابراز نگرانی عمیق در خصوص طولانی و نیز گسترده شدن جنگ (مانند افزایش حملات به کشتیهای تجاری کشورهای ثالث)

- نگرانی از تهدیدات متوجه امنیت کشورهای همجوار

- ابراز تاسف از این که کوششهایش در مورد پایان بخشیدن به جنگ به ثمر نرسیده است

- ایران به خاطر عدم توجه به خواستههای بنیانی‌اش نسبت به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت خودداری می‌ورزد، درحالی که عراق آماده اجرای قطعنامه‌ها است.^{۶۸} در پایان ضرورت فوری رسیدگی به وضعیت میان ایران و عراق و لزوم برقراری اساس قابل قبولی برای مذاکره را یادآور شد. وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به درخواست دبیر کل، مواضع ایران را در قبال

قطعنامه ۵۸۲ مطرح ساخت^{۶۹} و آمادگی ایران جهت جلوگیری از جنگ و یا گسترش آن به کشورهای همجوار از طریق همکاری با دبیرکل را اعلام نمود.

دبیرکل پس از دریافت تازه‌ترین نظرات ایران و عراق، در مورد قطعنامه ۵۸۸ که در هشتم اکتبر (شانزدهم مهرماه) به تصویب رسیده بود، آن را به شورای امنیت منعکس کرد اما نسبت به مؤثرافتادن قطعنامه ۵۸۸ ابراز تردید و بدبینی نمود.^{۷۰} همچنین در این گزارش ضمن برشمردن تعداد حملات انجام شده علیه کشتی‌ها در خلیج فارس، نسبت به گسترش جنگ به کشورهای همجوار اعلام خطر کرده و اعلام داشت مبنایی که هر دو کشور برای مذاکره قبول داشته باشند، ارائه گردد.^{۷۱}

۶ دبیرکل در یک مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ سیزدهم ژانویه (بیست‌ودوم دی ۱۳۶۶) ضرورت یک تلاش تازه، مشترک و هماهنگ از سوی اعضای شورای امنیت (به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت) را برای حل منازعه متذکر گردید و تقاضا نمود جلسه فوری شورای امنیت در سطح وزرای امور خارجه برای رسیدگی به جنگ تشکیل شود. این درخواست از سوی شورای امنیت مورد اجابت قرار گرفت.^{۷۲}

در بیست‌وششم ژانویه (پنجم بهمن) تلاش دبیرکل در اجلاس کنفرانس اسلامی - در کویت - برای یافتن راه‌حلی به منظور خارج شدن از بن‌بست موجود با شکست مواجه شد. در واقع دبیرکل پس از نامیدی از اجرای طرح هشت‌ماده‌ای، طرح دیگری را در همین کنفرانس و در شش ماهه، به‌طور محرمانه به طرفین ارائه کرد. طرح شش‌ماده‌ای وی رسیدگی به مسئولیت جنگ (تعیین متجاوز)، برقراری آتش‌بس، بازگشت نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، مبادله اسرا و حل جامع مسائل مورد اختلاف را پیش‌بینی کرده بود.^{۷۳} عراق در مورد این طرح اعلام کرد چنانچه رسیدگی به مسئولیت جنگ، پس از سایر بندهای طرح قرار گیرد، با آن موافق است.^{۷۴} متعاقب آن، دبیرکل گزارش گروه اعزامی‌اش به جبهه‌های جنگ ایران و عراق، که مؤید کاربرد مکرر سلاح شیمیایی بود، را به شورای امنیت ارسال کرد و همین به مبنایی برای صدور بیانیه چهاردهم مه (بیست‌ودوم اردیبهشت) در محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی و طولانی شدن جنگ گردید اما شورای امنیت این بیانیه را کافی ندید و در چهاردهم اوت (بیست‌ویکم مرداد) قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد. دبیرکل پس از تصویب قطعنامه و در همان روز، در جلسه شورای امنیت، سخنانی به شرح ذیل ابراز نمود: این قطعنامه اوج تلاشهای شورای امنیت برای پایان بخشیدن به محاصره ایران و عراق است و ضرورت دارد همه سیاستها برای پایان یافتن منازعه با مواضع شورای امنیت هماهنگ شود. ضروری است با مشورت طرفین درگیر و کشورهای همجوار، ترتیباتی برای امنیت و ثبات منطقه اندیشیده شود. دبیرکل افزود: تعیین هباتی برای مشخص شدن شروع‌کننده جنگ، هدف اصلی ما است. وی در روز تصویب قطعنامه ۵۹۸، متن

نیویورک، گزارش سفر خود را تسلیم شورای امنیت کرد. او در این گزارش، اعلام کرد ایران با وجود اینکه مواضع شورای امنیت در قبال جنگ را از آغاز ناعادلانه می‌داند، ولی خواستار صلح است. براین اساس، وی خواهان شرکت دو طرف در بررسی همه‌جانبه منازعه موجود گردید.

۵ دبیرکل در ادامه تلاشهایش، در یازدهم فوریه ۱۹۸۶ (بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۵)، خواهان هماهنگی همه تلاشهای مربوط به خاتمه جنگ بر اساس طرح هشت‌ماده‌ای خویش شد و در پایان سال، ضمن ابلاغ قطعنامه ۵۸۸ به وزرای امور خارجه ایران و عراق، از دولتین ایران و عراق درخواست کرد مواضع خود در قبال قطعنامه ۵۸۲ و طرح هشت‌ماده‌ای را اعلام کنند. متعاقب آن، دولت ایران مخالفت خویش را با قطعنامه ۵۸۲ و موافقت خود را با طرح هشت‌ماده‌ای اعلام کرد، اما عراق به دبیرکل اعلام کرد فقط با اجرای قطعنامه ۵۸۲ موافق است.^{۶۵}

قطعنامه را برای وزرای امور خارجه دو کشور فرستاد و خواستار نظر آنان گردید.^{۷۵} ایران یک روز بعد، به آن جواب «نه رد و نه تایید» داد، ولی عراقی‌ها آن را پذیرفتند.

دبیرکل از یازدهم تا چهاردهم سپتامبر ۱۹۸۷ (نوزدهم تا بیست و دوم شهریور ۱۳۶۶) به تهران و عراق سفر نمود و با رؤسای جمهور دو کشور ایران و عراق دیدار کرد. وی در این سفر کوشید نظرات طرفین را در مورد قطعنامه ۵۹۸ مطرح شش‌ماده‌ای، به هم نزدیک کند. مجدداً دبیرکل با رئیس جمهوری اسلامی ایران در نیویورک ملاقات کرد و در خصوص قطعنامه ۵۹۸ با وی مذاکره نمود.^{۷۶} متعاقب این دیدارها، دبیرکل از بیست و هشتم سپتامبر تا دهم اکتبر (چهارم تا هیجدهم مهر) به ترتیب با معاون وزارت امور خارجه ایران، وزرای امور خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت، وزیر امور خارجه عراق و نیز با مدیرکل امور بین‌الملل وزارت امور خارجه ایران دیدار کرد. این دیدارها، به ارائه طرح اجرایی دبیرکل در دهم اکتبر (هیجدهم مهر) به شورای امنیت و سپس در پانزدهم اکتبر (بیست و سوم مهر) به وزرای امور خارجه ایران و عراق گردید. مفاد طرح اجرایی دبیرکل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ عبارت بود از:

- اولاً دو کشور باید قطعنامه ۵۹۸ را در کل و در مجموع بپذیرند.

- ثانیاً هیچ بندی از قطعنامه بر دیگر بندهای آن رجحیت و تقدم ندارد؛ بنابراین در روز برقراری آتش‌بس، یک هیات بی‌طرف بررسی مسئولیت منازعه را شروع خواهد کرد.

- ثالثاً پس از برقراری آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی آغاز می‌گردد.^{۷۷}

در دهم دسامبر ۱۹۸۷ (هیجدهم آذر ۱۳۶۶) دبیرکل مطابق نظرات موافق ایران و مخالف عراق در خصوص طرح اجرایی مذکور،^{۷۸} خواستار تحرک جدیدی از سوی شورای امنیت برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شد. شورا در یازدهم دسامبر (نوزدهم آذر) بر تعهد و پایبندی شورای امنیت بر قطعنامه ۵۹۸ تاکید کرد و آن را تنها وسیله دستیابی به حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه منازعه دانست.

۷. در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) دبیرکل به فعالیت خویش برای نزدیک کردن نظرات ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ ادامه داد. براین اساس، دبیرکل از آغاز سال میلادی تا هفدهم ژوئیه (بیست و نهم تیر) - یعنی زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران - بیش از هشت مورد با مقامات عراقی و دو برابر آن با نمایندگان دولت ایران، دیدار و مذاکره کرد. وی ناچار بود ملاقاتهای بیشتری با مقامات ایرانی داشته باشد؛ زیرا ایران برخلاف عراق، قطعنامه را کاملاً نپذیرفته بود. در واقع دبیرکل در تلاش بود ایران را به قبول کامل قطعنامه تشویق و ترغیب نماید. علاوه بر این، بخش قابل توجهی از فعالیت دبیرکل در این مقطع زمانی، اعزام هیاتهای تحقیق در مورد کاربرد سلاح شیمیایی و توجه به

نتیجه کار این هیاتها معطوف بود. همچنین دبیرکل به منظور اعلام نظرات ایران و عراق، گزارش فعالیت‌های خود در مورد اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گزارش گروه‌های تحقیق سازمان ملل متحد در خصوص کاربرد سلاحهای شیمیایی در منازعه ایران و عراق، بیش از هشت مورد با اعضای شورای امنیت ملاقات نمود.^{۷۹} دبیرکل در پی درخواست مجدد ایران در بیست و یکم و بیست و چهارم مارس (اول و چهارم فروردین) هیات‌های بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی به ایران و عراق فرستاد. گروه اعزامی، کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ را تایید کرد. هنگامی که دبیرکل گزارش گروه تحقیق را به شورای امنیت می‌داد، شورا قطعنامه ۶۱۲ را به تصویب می‌رساند، که دومین قطعنامه در مورد محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی و اولین قطعنامه‌ای بود که موضوع کاربرد سلاحهای شیمیایی را مستقل از مسأله جنگ بررسی می‌کرد.

ج- مجمع عمومی و مسأله جنگ

با نگاهی به تبصره‌های اول و دوم ماده یازدهم منشور ملل متحد،^{۸۰} به نقش کم‌اهمیت‌تر مجمع عمومی در مقایسه با شورای امنیت و حتی دبیرکل در اقدامات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پی می‌بریم. در واقع یکی از علل توجه کمتر مجمع عمومی به جنگ عراق علیه ایران، به همین نقش آن برمی‌گردد. علت دیگر این مسأله، آن است که به موجب تبصره اول ماده دوازدهم منشور ملل متحد، مادامی که شورای امنیت، عملیاتی در مورد اختلاف و وضعیتی را تحت انجام و بررسی دارد، مجمع عمومی نباید نسبت به آن توصیه‌ای ارائه نماید.^{۸۱}

۱- مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس سی و پنجم خود - که در اکتبر ۱۹۸۰ (آبان ۱۳۵۹) برگزار شد - این امکان را برای نمایندگان دولتین ایران و عراق فراهم آورد که نقطه نظر ایشان را در مورد جنگی که بین دو کشور در جریان است، بیان دارند. اما مجمع عمومی هیچ‌گونه موضعی در این باره اتخاذ نکرد.^{۸۲} سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق، به نمایندگی از دولتش در این اجلاس شرکت نمود و طی سخنانی مفصل، ضمن برشمردن آنچه وی مداخله ایران در امور داخلی عراق قلمداد می‌کرد، اقدام علیه ایران را به منزله دفاع مشروع عراق برای حفظ حاکمیتش ذکر کرد. او ایران را مسئول جنگ معرفی نمود. همچنین وی آمادگی عراق را برای رعایت آتش‌بس و متوقف کردن عملیات جنگی مشروط به اینکه ایران نیز چنین کند، اعلام کرد.^{۸۳} در مقابل، نماینده ایران ضمن یادآور شدن سابقه تعرضات مرزی عراق به ایران و پناه دادن به ایرانیان مخالف، مخالفت ایران را با برقراری آتش‌بسی که متضمن شناخت متجاوز نباشد، اعلام کرد. جالب اینکه در سال ۱۹۸۰/۱۳۵۹ نماینده عراق به ریاست کمیته ویژه افزایش کارآیی اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی مجمع عمومی برگزیده شد. متعاقب آن در سال ۱۳۶۰/۱۹۸۱ نماینده عراق به ریاست

سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی انتخاب گردید.^{۸۴}

۲- مهمترین اقدام مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۲ به انجام رسید. در این سال، طبق تقاضای عراق، موضوع عواقب طولانی شدن برخورد مسلحانه بین ایران و عراق در دستور کار سی و هفتمین اجلاس عمومی قرار گرفت. مجمع عمومی در این اجلاس، قطعنامه شماره ۳۷/۳ را در تاریخ بیست و دوم اکتبر ۱۹۸۲ (سی‌ام مهر ۱۳۶۱) با اکثریت آرا^{۸۵} به تصویب رساند. در مقدمه این قطعنامه، اشاره شده بود که طرفین جنگ باید از به‌کارگیری زور به منظور اشغال و تصرف سرزمین دیگر کشورها، اقدام به تجاوز، دخالت در امور داخلی سایر کشورها خودداری کنند، همه دولت‌ها باید تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر را محترم شمارند و نیز به حل مسالمت‌آمیز اختلاف اقدام و زمینهای اشغالی را مسترد کنند. همچنین در این مقدمه بر قطعنامه‌های صادره شورای امنیت تا این زمان و نیز بر بیانیه پنجم نوامبر ۱۹۸۰ (چهاردهم آبان ۱۳۵۹) و پانزدهم ژوئیه ۱۹۸۲ (بیست و چهارم تیر ۱۳۶۱) تاکید شده بود. در بخش دیگر قطعنامه به موارد زیر اشاره شده است:

- منازعه ایران و عراق منجر به تلفات سنگین مادی و معنوی شده و صلح و امنیت را در معرض خطر قرار داده است.

- به عنوان اولین گام برای حل منازعه باید آتش‌بس فوری برقرار گردد و نیروهای دو کشور به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی عقب‌نشینی کنند.

- همه دولت‌ها از هر اقدامی که باعث تشدید و تداوم مخاصمه موجود می‌شود، پرهیز نمایند.

- دبیرکل به کوشش‌هایش برای حل برخورد و درگیری ایران و عراق از طریق مشورت با طرفین ادامه دهد و دولت‌های عضو مجمع عمومی را از نتیجه اقداماتش مطلع نماید.

متن اولیه قطعنامه که توسط چهارده کشور، از جمله: عربستان، کویت، قطر، عمان، بحرین و امارات، تهیه شده بود، هیجده روز پس از سومین قطعنامه شورای امنیت (قطعنامه شماره ۵۲۲) به تصویب رسید و تفاوت چندانی با قطعنامه ۵۲۲ شورای امنیت سازمان ملل نداشت. جالب اینکه چند روز قبل از تصویب قطعنامه مجمع عمومی، ایران پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به مجمع عمومی ارائه داد، ولی مجمع عمومی به آن هیچ توجهی نکرد.^{۸۶}

۳- مجمع عمومی در سال ۱۳۶۲/۱۹۸۳ به درخواست مجدد عراق، موضوع برخورد ایران و عراق و آثار محتمل این جنگ را در دستور کار اجلاس سی و هشتم خود قرار داد. در همین اجلاس، مجمع عمومی تصمیم گرفت این موضوع را همچنان در دستور کار خود نگاه دارد. مجمع عمومی در سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ در اجلاس سی و نهم، این تصمیم خود را مجدداً تکرار کرد. در اجلاس چهلم ۱۳۶۴/۱۹۸۵، چهلم و یکم ۱۳۶۵/۱۹۸۶، چهلم و دوم ۱۳۶۶/۱۹۸۷ و

چهل و سوم ۱۳۶۷/۱۹۸۸ نیز موضوع جنگ ایران و عراق در دستور کار مجمع عمومی باقی ماند، اما هیچ اقدام قابل توجهی در مورد جنگ انجام نگرفت. ولی در اجلاس چهلم مجمع عمومی، عراق به ریاست کمیته ششم (کمیته حقوقی) مجمع عمومی انتخاب شد این کمیته وظیفه داشت در سال ۱۳۶۴/۱۹۸۵ طرح اعلامیه عدم استفاده از زور را تهیه نماید. در همان سال، شورای امنیت در بیانیه بیست و پنجم آوریل (پنجم اردیبهشت)، بدون ذکر نام عراق، به کارگیری سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را محکوم کرد.^{۸۷}

خسارت‌های جنگ

شورای امنیت سازمان ملل در بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ که برای اولین بار در طول هشت سال جنگ بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) بر اساس مواد سی و نه و چهلم از فصل هفتم منشور ملل متحد در بیستم ژوئیه ۱۹۸۷ (بیست و نهم تیر ۱۳۶۶) در جلسه ۲۵۷۰ شورا به تصویب رسید، «با تصدیق ابعاد عظیم خسارتی که در طول منازعه وارد شده و ضرورت تلاشهای بازسازی با کمکهای مناسب بین‌المللی پس از خاتمه منازعه، از دبیرکل درخواست می‌کند گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسأله بازسازی، تعیین و به شورای امنیت گزارش کند» در اجرای این بند از قطعنامه، خاویز پرز دکونیار، دبیرکل وقت سازمان ملل، همزمان با آغاز اقداماتی برای اجرای بند شش قطعنامه راجع به «مسئولیت منازعه»، در بیست و سوم مه ۱۹۹۱ به شورای امنیت اطلاع داد که یک «تیم کارشناسی» به ریاست «عبدالرحیم آبی فرح»، معاون پیشین خود، را مأمور این کار کرده است. این هیات دویار در سی و یکم مه تا بیست و یکم ژوئن (خردادماه) و هفتم نوامبر تا اول دسامبر ۱۹۹۱ (آبان ماه ۱۳۷۰) به ایران سفر کرد. سفر اول به منظور دستیابی به اطلاعاتی «درباره ماهیت و ابعاد خسارت وارد به زیربنای کشور در جریان جنگ، جمع‌آوری اطلاعات به منظور بررسی مسأله بازسازی و تحقیق و تأیید اطلاعات به دست آمده تا حد امکان از طریق بازدید از محل» انجام شد. در این سفر، اطلاعاتی درباره استانهایی که صحنه عملیاتی جنگی و یا هدف حملات هوایی و موشکی بوده‌اند، مراکز شهری و روستایی که با خاک یکسان شده و یا خسارت کلی دیده، خانه‌های مسکونی که کاملاً منهدم شده و یا آسیب جدی دیده‌اند، غیرنظامیانی که کشته، مجروح و یا برای همیشه از کار افتاده شده‌اند و میلیاردها ریال خسارت‌های سنگینی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بخشهای اقتصادی، از جمله در بخش کشاورزی و به‌ویژه نابودی باغهای نخل ایران، در اختیار هیات قرار گرفت. تیم اعزامی پس از بازگشت از سفر اول، در گزارشی به دبیرکل نوشت: «میزان خسارت وارد به زیر ساختهای ایران چنان گسترده است که بازسازی آن سالها طول می‌کشد. صنایع نفتی و اقتصاد ملی ایران خسارت گسترده دیده و پالایشگاه آبادان و بزرگترین تاسیسات بارگیری نفت

جهان در جزیره خارک و همچنین بندر تجاری - مسافرتی خرمشهر کاملاً منهدم شده‌اند.»

سفر دوم هیات در آبان ماه ۱۳۷۰ در راستای پیگیری دقیق اطلاعات حاصله از سفر اول انجام گرفت. در این سفر، هیات با مسئولین نهادهای و سازمانها در ایران مذاکرات حضوری داشت تا خسارت وارده را به‌طور دقیق برآورد نماید و حتی‌الامکان از مراکز و تاسیسات آسیب دیده به‌طور مستقیم بازدید به عمل آورد. نتایج تحقیق و بررسیهای به‌عمل آمده در گزارشی با شماره S/۳۶۸۲۲ مورخ سی و یکم ژوئیه ۱۹۹۱ تسلیم دبیرکل سازمان ملل شد و در آن اطلاعات کاملی از ماهیت و میزان خسارت وارده، برآوردهای دولت ایران از هزینه بازسازیهای گذشته و حال در بخشهای خانه‌سازی، صنایع نفت، حمل‌ونقل، صنایع سبک و سنگین، کشاورزی و سیستم آبرسانی، انرژی و نیرو، ارتباطات دور و محابراتی، آموزش و پرورش، بهداشت و میراث فرهنگی ارائه گردید. در نتیجه‌گیری گزارش میزان خسارت مستقیم وارده به ایران، ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارت غیرمستقیم، ۳۴۵۲۵ میلیارد دلار برآورد شده بود. دبیر کل در گزارش صدونودویک صفحه‌ای خود به شورای امنیت در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۹۱، موضوع را به اطلاع اعضای شورا رساند. به این ترتیب بخشی از بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ که برآورد خسارت جنگی توسط کارشناسان سازمان ملل بود، انجام شد.

واکنش طرفین درگیری در قبال انتشار گزارش برآورد میزان خسارت‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق، بسیار متفاوت بود. جمهوری اسلامی انتشار گزارش را «پیروزی بزرگ ملت» دانست و آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در پیام نوروزی سال ۱۳۷۱ خود این پیروزی را به ملت ایران تبریک گفت. باین وجود، جمهوری اسلامی ایران میزان خسارت برآورد شده در گزارش دبیرکل را نادرست خواند و میزان آن را یک تریلیون دلار اعلام کرد. دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه ایران در گزارشی آمار آسیبهای وارده شده به بخشهای مختلف اقتصادی کشور از جمله صنعت و معدن، نفت، کشاورزی، ساختمان و خدمات را ۳۰۸۱۱۴۲۳ میلیارد ریال برآورد کرد که ۳۲/۸ درصد (معادل ۹۹۲۸/۳ میلیارد ریال) این خسارتها به بخش ساختمان و تاسیسات، ۳۱ درصد (معادل ۹۵۵۱/۹ میلیارد ریال) به ماشین‌آلات و تجهیزات و ۳۶/۸ درصد (معادل ۱۱۳۳۱/۲ میلیارد ریال) به بخش مواد و کالا مربوط می‌شود. از بین چهار گروه عمده کشاورزی، صنایع و معدن، نفت و خدمات، بیشترین خسارت به ترتیب به گروه خدمات به مبلغ ۲۲۸۲۷ میلیارد ریال، نفت با ۲۰۷۹۹ میلیارد ریال، کشاورزی با ۱۵۹۵۷/۳ میلیارد ریال و صنایع و معدن ۵۷۶۹ میلیارد ریال وارد شده است. این درحالی بود که عراق گزارش دبیرکل را «نظرات کاملاً شخصی» اعلام کرد که «فاقد هرگونه ارزش حقوقی است» و «ریشه در نقشه‌های امریکایی - آتلانتیکی و صهیونیستی علیه عراق دارد.» ■

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به مقدمه و تبصره اول ماده اول منشور ملل متحد است که وظایف خود را جز: اصلی‌ترین وظایف سازمان ملل متحد ذکر کرده است.
۲. اصولاً با مراجعه به مولودی از منشور ملل متحد (مفند ۱۱، ۲۴، ۹۶) که وظایف عمده سه رکن مزبور را بیان داشته است، درمی‌یابیم که شورای امنیت، دبیرکل و مجمع عمومی نسبت به سایر ارکان، در ارتباط بیشتر با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار دارند و به همین جهت نقش این سه رکن در جنگ عراق علیه ایران چشمگیرتر بود.
۳. دبیرخانه از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است نه دبیرکل اما دبیرکل در رأس دبیرخانه قرار دارد و او است که در تمام جلسات شورای امنیت و مجمع عمومی شرکت می‌کند و هر مأموریتی را که از طرف ارکان مزبور به وی واگذار شود، انجام می‌دهد.
۴. سربین مصفا و دیگران، تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل متحد، تهران، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، صص ۸۱، ۸۳.
۵. قطعنامه (resolution) یا بیلیه (statement) تفاوت دارد. قطعنامه برخلاف بیلیه، با رای‌گیری صادر می‌شود و از اعتبار و ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار است؛ همچنین قطعنامه تصمیم رسمی تلقی می‌شود که متعاقب جلسه رسمی صادر می‌گردد.
۶. سربین مصفا و دیگران، همان، صص ۹۳، ۹۱.
۷. شورای امنیت جنگ ایران و عراق را تجاوز تلقی نکرد بلکه از آن تحت عنوان «برخورد» و «منزاع» که به درگیریهای پایین‌تر از تجاوز اطلاق می‌شود، نام برد این رویه در قطعنامه و بیلیه‌های بعدی شورای امنیت نیز تکرار شد.
۸. مساعی جمیله یکی از راههای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است، که برخلاف میلجیگری، به صورت پشت پرده توسط شخص یا دولت ثالث انجام می‌گیرد.
۹. محمدحسین جمشیدی و دیگران، سازمانهای بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، تهران، انتشارات دانشگاه امام‌حسین علیه‌السلام، ۱۳۷۴، صص ۸۹-۸۸.
۱۰. منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱، ص ۶۸.
۱۱. این قطعنامه همانند سایر قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی ایران، برخلاف عراق رد شد. ایران فقط قطعنامه ۵۹۸ را در ابتدا به‌صورت «نه رد و نه قبول» ببلخ داد و سپس آن را پذیرفت.
۱۲. طبق عرف بین‌المللی در جلسات شورای امنیت، وزرای خارجه کشورها در صورت لزوم شرکت می‌کنند، ولی چون در این زمان ایران به‌علت اختلافات موجود بین بنی‌صدر (رئیس‌جمهور) و رجایی (نخست‌وزیر) فاقد وزیر امور خارجه بود، نخست‌وزیر ایران در جلسه شورای امنیت شرکت می‌کرد. ایران بعد از این جلسه شورا، دست به تحریم شورا زد و دیگر در جلسات آن شرکت نکرد.
۱۳. منوچهر پارسادوست، همان، صص ۹۲، ۹۰.
۱۴. دبیرکل اولاف بالمه (نخست‌وزیر اسبق سوئد) را به‌عنوان نماینده خویش به ایران و عراق فرستاد، پالمه تا قبل از تصویب قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت، در سمت نماینده دبیرکل باقی ماند.
۱۵. مهمترین علت این عکس‌العمل جدید شورای امنیت را پیروزی قوای ایران در عملیات بیت‌المقدس که منجر به بازپس‌گیری خرمشهر گردید، دانستند.
۱۶. محمدحسین جمشیدی و دیگران، همان، ص ۹۰.
۱۷. گرچه آنچه بین ایران و عراق روی داد، جنگ بود و ویژگیهای تعریف جنگ برخوردار است، ولی چون در این قسمت پژوهش حاضر نقطه‌نظر است، سازمان ملل متحد درباره جنگ مطرح می‌شود. لفظی که آنان در این خصوص استفاده کرده‌اند، آورده می‌شود.
۱۸. پارهای از این اصول عبارتند از: احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی بکدیگر، حسن همجواری، تسلوی کشورها و مانند آن.
۱۹. منوچهر پارسادوست، همان، ص ۹۰.
۲۰. این گزارش، از اعلام موضع موافق عراق و موضع مخالف ایران در قبال قطعنامه ۵۱۴ حکایت دارد. علت مخالفت ایران آن بود که همواره دولت ایران براساس مفاد منشور سازمان ملل و قطعنامه خواهان تعیین

سجاولر بود اما تمامی قطعنامه‌های صادره غیر از قطعنامه ۵۹۸ فاقد حسن موضوعی بودند و با حتی مجلسی برای تعیین تجاوز در آنها وجود نداشت.

۲۱. محمدحسین جمشیدی و دیگران. همان، ص ۴۹۲

۲۲. همانطور که در مقدمه همین فصل اشاره شد، قطعنامه و بیانیه‌های شورای امنیت منتهای از شرایط موجود - داخل و خارج از ایران - بودند. این اساس از مهمترین عللی که موجب صدور اکثریت قطعنامه‌های شورای امنیت دانسته شده است. به عملیاتی موقفیت‌آمیز نیروهای مسلح ایران اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال قطعنامه ۵۱۴ و ۵۲۲ به ترتیب پس از عملیاتی بیت‌المقدس و مسلمان عقیل صادر شده‌اند.

۲۳. عباس هدایتی خمینی شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، صص ۹۴-۹۵

۲۴. از مجموع نه قطعنامه‌ای که شورای امنیت از بدو جنگ تا نهم مهر ۱۹۸۸ (نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۷) صادر کرده است، فقط دو قطعنامه ۵۴ و ۵۲۲ با اکثریت آرا و نه اتفاق آرا به تصویب رسیدند. لازم به ذکر است که در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۷ قطعنامه ۶۱۲ موسسه شورای امنیت صادر شد که آخرین قطعنامه قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است. این قطعنامه ۲۵ کنواسیونهای ۱۹۴۹ زانو مربوط به رعایت حقوق اسرا، زخمیهای نظامی و غیرنظامی و مانند آن است.

۲۵. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۸۲

۲۶. همان، ص ۲۱۷

۲۸. بل تاوریه، «التکرات دبیرکل سازمان ملل متحد در رویارویی با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی در جنگ ایران و عراق»، در: بررسی‌های جنبه‌های تجاوز و دفاع، ج ۲، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۷۶، ص ۳۳

۲۹. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۸۴

۳۰. اتحادیه عرب، شامل تعداد زیادی از کشورهای عربی است که در سال ۱۹۴۵ م برای ایجاد هماهنگی و همکاریهای مختلف بین اعضا موجود آمد.

۳۱. حسن فتحي، تلاشهای صلح‌آمیز در هشت سال دفاع مقدس، حمله مقاومت، تهران، ستاد فرماندهی کل قوا، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶

۳۲. این پروتکل در هفتم ژوئن ۱۹۲۵ م (بیست‌وهفتم خرداد ۱۳۰۴ ش) به تصویب کشورهای رسیده است.

۳۳. در پیش‌نویس این قطعنامه به جای اقدامات اولیه تجاوز اولیه نوشته شده بود که در صورت تصویب به معنای متجاوز شناخته‌شدن عراق بود. ایران به‌رغم ردکردن این قطعنامه آن را یک گام مثبت در جهت محکومیت عراق به‌عنوان متجاوز و خاتمه‌یافتن عادلانه جنگ دانست.

۳۴. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ص ۱۶۷ در این قطعنامه نیز همانند سایر قطعنامه‌ها و اکثر بیانیه‌ها، شورا با درخواست از دبیرکل مبنی بر ارائه گزارش در مورد مراحل اجرایی قطعنامه با بیخوبی و یا عدم عنوان شورا، موضوع را زیر نظر داشت و موضوع جنگ را برای بررسی‌های بعدی مفتوح نگذاشت.

۳۵. محمدجعفر محلاتی، «تجاوز در روند برخورد شورای امنیت با مسائل جنگ تحمیلی»، گزارش سمینار چهارم، دی‌ماه ۱۳۶۶، ص ۲۵۰

۳۶. شورای امنیت قبل از قطعنامه ۵۸۸ بیانیه دیگری را در بیست‌وهمین آیت ۱۹۸۴ م (هفتم شهریور ۱۳۶۵ ش) صادر کرد که در آن با ابراز نگرانی از توسعه احتمالی درگیری و افزایش حمله بر کشورهای تجاری و مناطق غیرنظامی، مجدداً اکثر موضوعاتی را که قبلاً یادآوری کرده بود، تکرار کرد.

۳۷. در مورد این ضح، در بخش مربوط به اقدامات دبیرکل توضیحات لازم آمده است.

۳۸. قطعنامه ۵۸۸ تکرار همان قطعنامه ۵۸۲ است. بنابراین اشاره به یکی و یا به هر دو، اشاره به یک مطلب است.

۳۹. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۲۲

۴۰. برای اولین بار در طول هفت سال جنگ، شورای امنیت در این جلسه به ماده‌سی‌ونه منشور ملل متحد، که ناظر بر تشخیص وجود تهدید علیه صلح، برهم خوردن صلح یا اقدام به تجاوز است، اشاره کرده است و نیز به ماده ۴۰ منشور که اعلام می‌دارد برای و خیم‌نشدن وضعیت، شورای امنیت می‌تواند طبق ماده ۳۹ توصیه‌هایی را به طرفین بنماید، اشاره می‌کند.

۴۱. این قطعنامه به علت این که شورا در مقدمه آن، تصمیم خود را تأکید بر خاتمه عملیات نظامی بین ایران و عراق اعلام می‌کند و نیز به دلیل اشاره قطعنامه به ماده‌های ۳۹ و ۴۰، از جنبه توصیه‌ای خارج گردیده و حالت امرانه به خود گرفت.

۴۲. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۴۲

۴۳. هر قطعنامه دارای دو قسمت مقدماتی و اجرایی است.

۴۴. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۱۶۶

۴۵. ایران خواهان تعیین متجاوز قبل از اجرای سایر مواد قطعنامه بود. ولی عراق خواستار اجرای قطعنامه به‌گونه‌ای بود که پس از دیگر بندها به تعیین متجاوز پرداخته شود.

۴۶. محمدجواد لاریجانی، تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، در: گزارش سمینار چهارم، مهرماه ۱۳۶۶، ص ۶۸۱

۴۷. دو روز بعد از حادثه ساقط‌شدن هواپیمای مسافری ایران توسط امریکا، ایران برای اولین بار پس از انقلاب از شورای امنیت تقاضای رسیدگی کرد.

۴۸. کورت والدیهام تبعه اتریش، از سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) به سمت دبیرکل بر گزیده شد و در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ ش) جای خود را به خاویز پرز دکوئیلر (تبعه پرو) داد. دکوئیلر از سال ۱۹۴۰ (۱۳۲۹) در خدمت وزارت امور خارجه کنشورش بود و از سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) نماینده کنشورش در سازمان ملل متحد بوده است.

۴۹. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۱۷۰

۵۰. این ماده می‌گوید رئیس دبیرخانه (دبیرکل) می‌تواند در هر امری که به نظر او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، توجه شورای امنیت را جلب کند.

۵۱. دبیرکل می‌تواند در تمام جلسات مجمع عمومی و شورای امنیت شرکت نماید.

۵۲. منوچهر یارسادوست، همان، ص ۵۶

۵۳. دبیرکل با انتخاب یک نماینده و سپردن مأموریت حل و فصل اختلافات موجود بین ایران و عراق به وی، خود را مانند شورای امنیت از صحنه کنار کشید. این بی‌توجهی بی‌ارتباط با برتری عراق در صحنه‌های جنگ نبوده است.

۵۴. محمدحسین جمشیدی و دیگران، همان، ص ۱۰۹

۵۵. محمدحسین جمشیدی و دیگران، همان، ص ۱۰۹

۵۶. طبق آمار مندرج در کتاب راهنمای عملیات جنگ هشت‌ساله آمار اسرای عراقی تا این تاریخ نزدیک به سی‌وهفت هزار نفر بود.

۵۷. حسین علانی، جنگ شیمیایی تهدید فراینده، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۱۴. کمترین فعالیت دبیرکل در جنگ علیه ایران، در زمینه سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده قرار گرفته در جنگ بود.

۵۸. منوچهر یارسادوست، همان، ص ۱۶۱

۵۹. همانطور که قبلاً اشاره شد، نخستین بار ایران و عراق در دوازدهم ژوئن ۱۹۸۴ (بیست‌دوم خرداد ۱۳۶۳) چنین تهدیدی را سپرده بودند.

۶۰. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۱۷۰

۶۱. پروتکل ۱۹۲۵ میلادی (۱۳۰۴ ش) زانو ناظر بر ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده و مسموم‌کننده و دیگر گازهای خطرناک و مواد میکروبی در جنگ است.

۶۲. کنواسیون سوم زانو، مربوط به مبادله اسرای جنگی و شرایط و چگونگی آن است.

۶۳. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۱۷۰

۶۴. همانطور که قبلاً اشاره شد، قطعنامه ۵۸۸ تأکیدی بر اجرای قطعنامه ۵۸۲ بود و چیز جدیدی نسبت به قطعنامه ۵۸۲ نداشت.

۶۵. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۰۶

۶۶. همان، ص ۱۸۸

۶۷. برای اولین بار در طول جنگ عراق علیه ایران، هم دبیرکل (در شانزدهم مارس) و هم شورای امنیت (در بیست‌و یکم مارس) با ذکر نام عراق، به‌کارگیری سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را محکوم کردند.

۶۸. منوچهر یارسادوست، همان، ص ۶۷۴

۶۹. بخشهایی از قطعنامه ۵۸۲، مانند همکاری در جهت جلوگیری از گسترش جنگ، مبادله اسرا و... مورد قبول ایران قرار گرفت و ایران نیز طرح هشت‌ماده‌ای دبیرکل را بنیانی مناسب برای تلاشهای بیشتر به منظور برقراری صلح به‌شمار آورد.

۷۰. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۳۲

۷۱. دبیرکل با توجه به موافقت و مخالفت مکرر عراق و ایران با قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت، معتقد بود قطعنامه‌های قبلی شورا و حتی قطعنامه ۵۸۸ نمی‌تواند مبنایی برای مذاکره صلح باشند.

۷۲. منوچهر یارسادوست، همان، ص ۶۷۴

۷۳. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۳۲

۷۴. تفاوت عمده طرح هشت‌ماده‌ای با طرح شش‌ماده‌ای دبیرکل، قراردادن بندی درخصوص رسیدگی به مسئولیت جنگ بود.

۷۵. عباس هدایتی خمینی، همان، ص ۱۳۲

۷۶. در این زمان، رئیس‌جمهوری ایران (آیت‌الله خامنه‌ای) برای شرکت در چهل‌ودومین اجلاس مجمع عمومی به تاریخ بیست‌و دوم سپتامبر ۱۹۸۷ م (اول مهر ۱۳۶۶ ش) در نیویورک به‌سر می‌برد.

۷۷. محمدحسین جمشیدی و دیگران، همان، ص ۱۱۴. دو بند اخیر گرچه در قطعنامه ۵۹۸ مطرح شده‌اند، ولی دبیرکل با مسأله‌ی فرزندان بندهای قطعنامه و تفکیک آتش‌ساز از عقب‌نشینی، دست به ابتکار جدیدی زد که راه را برای اجرای قطعنامه فراهم می‌آورد.

۷۸. جالب‌اینکه در همین زمان، ایران به قطعنامه ۵۹۸ جواب نه رد و نه قبول داده بود و عراق آن را پذیرفته بود.

۷۹. عباس هدایتی خمینی، همان، صص ۳۰۲-۲۹۸

۸۰. طبق تبصره‌های فوق مجمع عمومی، در مواقعی که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیازمند یک عمل موثر باردارنده و یا وادارکننده باشد، باید آن را به شورای امنیت واگذار نماید اما هرگاه اعضای شورای امنیت بر حفظ صلح و امنیت به توافق نرسند، مجمع عمومی می‌تواند راساً درباره حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تصمیم بگیرد، ولی عدم اتفاق اعضای دائم شورای امنیت هیچ‌گاه در جنگ ایران و عراق پیش نیامد.

۸۱. در عمل این قاعده درست نیست، زیرا حداقل یکبار در جنگ ایران و عراق، بلو جوداینکه جنگ تحت بررسی شورای امنیت بود، مجمع عمومی هم به بحث و صدور قطعنامه درباره جنگ پرداخت.

۸۲. روزنامه اطلاعات (۷ تا ۱۲ مهر ۱۳۵۹) ص آخر.

۸۳. منوچهر یارسادوست، همان، ص ۱۶۷. جای شگفتی است: اگر اقدام عراق در جنگ با ایران برای دفاع از خود و مقابله با مداخله ایران در امور داخلی عراق بود، پس چرا آمادگی خود را برای آتش‌ساز اعلام می‌داشت.

بنظر می‌رسد این اقدام عراق صرفاً به منظور جنگ‌طلب‌نشان دادن ایران انجام می‌گرفت. بنابراین واقعاً به چنین سیاستی معتقد نباشد.

۸۴. نسرن مصفا و دیگران، همان، ص ۱۰۰

۸۵. عضو سازمان ملل متحد، در مجمع عمومی دارای یک رای است. در مسائل مهم مانند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، رای موافق دو سوم اعضای حاضر رای‌دهنده و در سایر مسائل، رای اکثریت مطلق اعضای

صندوق و پنج عضو حاضر رای‌دهنده صندوق عضو به آن رای موافق دادند و این قطعنامه چهل و پنج رای از حد نصاب (بود رای) بیشتر داشت.

۸۶. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۱۶۷

۸۷. محمدحسین جمشیدی و دیگران، همان، صص ۱۰۹-۱۰۶

در این فصل علاوه بر منابع فوق اساس کار بر قطعنامه‌های صادره شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق (قطعنامه‌های ۴۷۹ تا ۶۱۲) مندرج در صفحات ۲۰۵ تا ۲۱۵ کتاب تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، و نیز مندرج در صفحات ۲۴۷ تا ۲۵۷ کتاب نقش سازمان ملل در جنگ عراق با ایران و بیانیه‌های صادره شورای

امنیت درباره جنگ ایران و عراق، مندرج در کتاب شورای امنیت و جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران و منشور ملل متحد و گزارشات

دبیرکل و هیاتهای اعزامی وی به منطقه قرار داشته است.